

تصوف در دنیای غرب

سید مهدی طاهری^۱

چکیده:

نگارنده درصدد است با بررسی نقش تصوف در گسترش اسلام به دنیای غرب و جریان شناسی آن در وضعیت فعلی، گامی مقدماتی جهت شناخت و توصیف فرقه های مختلف تصوف بردارد تا بتوان با شناخت گونه های متعدد آن در دنیای غرب، برنامه های هوشمندانه تری را درباره نحوه مواجهه با آنها در پیش گرفت.

کلید واژگان: اسلام، تصوف، اروپای غربی و آمریکای شمالی.

^۱ عضو گروه پژوهشی پژوهشکده مطالعات منطقه ای پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

مقدمه : به اعتقاد بسیاری از محققان اسلامی و غربی، تصوف از عوامل گسترش اسلام در غرب بوده است. با این حال در بررسی‌های تاریخی چگونگی نشر اسلام در سرزمین‌های غربی، برخی از محققان، عامل اصلی گرایش‌های صوفیانه برای غربیان را، نه صرف حضور اسلام و مسلمانان در جهان غرب، بلکه نتیجه جستجوی دنیای متجدد در حکمت شرق برای یافتن حقیقت و فلسفه نجات‌بخش برای زندگی و رهایی از سردرگمی‌های نظری دانسته‌اند و در این راستا تصوف را به مثابه پدیده‌ای می‌دانند که از اشکال اسلام سنتی فاصله گرفته و با قابلیت انعطاف‌پذیری، بر بعد باطنی و جنبه معنوی دین تاکید می‌ورزد.^۱

اشتیاق غربی‌ها به شناخت تصوف و ابعاد عرفانی آن، در کنار سازگاری و مدارای تصوف در بسترهای مختلف اجتماعی و فرهنگی و ایجاد فضایی تلفیقی از اسلام و تمدن

^۱ کاظم موسوی بجنوردی، «اسلام پژوهی تاریخی و فرهنگی»، تهران؛ مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵،

غرب و همچنین تاکید تصوف بر تعامل فراملیتی، سبب جذابیت تصوف نزد غربی‌ها شده و مطالعه اهمیت نقش آن‌را در جوامع متجدد امروزی، امری ضروری ساخته است. با وجود چنین ضرورت شناخت تصوف در غرب، برخی از محققان بر این باورند که در فضای علمی غرب، موانعی پدید آمده که مطالعات محققانه درباره تصوف به عنوان بعدی عرفانی صورت نگیرد که از جمله مهم‌ترین دلایل عبارتند از:

۱. جدید بودن مطالعه پدیده حضور اسلام در سرزمین‌های غربی و فقدان آگاهی از خاستگاه‌های آن در این کشورها؛
 ۲. هم زمانی نسبی ظهور گروه‌های صوفی در غرب، با روی آوردن جامعه غربی به ادیان شرقی در دهه ۱۹۶۰م. که موجب شد برخی پژوهشگران، ظهور این گرایش را صرفاً پدیده‌ای نوظهور تلقی کرده و آن را از موضوعات مهم در حوزه مطالعات ادیان ندانند؛
 ۳. وجود دیدگاه‌های نقادانه تجددگرایان، مسلمانان شریعت‌گرا و بنیادگرا و اصلاح‌طلب و برخی از متشرقان که تصوف را مجموعه‌ای از عناصر خرافی، عوام زده، مخالف تجدد و حتی غیراسلامی دانسته‌اند که ریشه در عقب ماندگی و انحطاط ناشی از دوران استعمار و عواقب ناگوار پس از آن دارد.^۱
- با وجود موانع فوق که منجر به تأخیر در شناخت تصوف گردیده، تصوف در جهان غرب اثرگذار بوده است و ما درصدد بررسی سیر تاریخی تصوف در جهان غرب می‌باشیم.

۱. سیر تاریخی تصوف در دنیای غرب

حرکت تصوف به سوی غرب در قرن دهم میلادی و از طریق ایران آغاز شد.^۲ با این حال صاحب نظران آغاز حیات علمی تصوف در غرب را از قرن دوازدهم ق. / هجدهم م. با حضور طریقه شاذلیه می‌دانند. پس از این تاریخ، طریقه‌های دیگر از جمله چشتیه، قادریه و نقشبندیه و همچنین در دهه‌های اخیر، طریقه‌های ایرانی، همچون نعمت‌اللہی در غرب پیروانی یافته‌اند.^۳

^۱ همان، ص ۴۸۱.

^۲ محمود خداقلی پور و فهیمه وزیری، اسلام و مسلمانان در آمریکا، قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳.

^۳ کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۴۸۳.

براساس منابع به دست آمده، سیر تاریخی تصوف در غرب، در دو بخش قابل بررسی است:

۱. عواملی که در ظهور و گسترش تصوف غرب نقش داشته‌اند؛
۲. افراد یا جریان‌هایی که به ترتیب در این شکل‌گیری مؤثر بوه و طریقت‌های کنونی موجود به نحوی متأثر یا برگرفته از آرا و اندیشه‌های آنان در ادامه این سیر هستند.

در بخش نخست، محققان به چندین عامل مهم در گسترش تصوف اشاره کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) مهاجرت مسلمانان از نقاط مختلف دنیا به ویژه در نیمه سده اخیر، نقش مهمی در گسترش اسلام و اشاعه طریقه‌های صوفیانه در غرب داشته است؛

ب) استعمار سیاسی، که از نظر پدید آوردن امکان تعامل غربیان با فرهنگ شرقی و زمینه‌آشنایی آنان با حکمت شرق و در نتیجه علاقه به گرایش‌های صوفیانه، به ویژه در کشورهای، همچون فرانسه و انگلیس دارای اهمیت است و حاصل این تعامل به رغم جنبه‌های منفی آن، از یک‌سو ظهور استادان شرقی تصوف بوده است که با تأثیر فرهنگی متقابل‌آشنایند و از سوی دیگر، منجر به پیدایش غربیانی شده است که در دهه اخیر به این جریان‌های معنوی روی آورده و حتی گاهی از رهبران تصوف در غرب شده‌اند؛

ج) بررسی و ترجمه متون کهن صوفیه در حوزه‌های دانشگاهی و تحقیقاتی که در غرب روز به روز گسترش و مخاطبان بسیاری یافت.

در بخش دوم درباره افراد یا جریان‌های مؤثر در شکل‌گیری تصوف در غرب، می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

الف) محققان قرن شانزدهم میلادی را از نظر ظهور جنبش‌های نوپدید دینی و چالش‌هایی که آنها در اعتقادات دینی پدید آوردند، آغاز عصری نو در تاریخ غرب می‌دانند که این روند با پیدایش جنبش «تئوسوفی» توسط «بلاواتسکی» آغاز شد؛^۱

^۱ پیشین، ص ۴۸۴

ب) در ادامه شاهد ظهور حلقه‌هایی از اندیشمندان غربی هستیم که اعضای آن به رغم بستر فرهنگی خود، به اسلام گرویده و به طریقه‌های صوفی پیوستند، که از جمله مهم‌ترین این افراد عبارتند از: ایوان آگوئلی، رنه گنون، فریتهوف شووان، مارتین لینگز؛ ج) جریان نسبتاً متفاوت دیگری در دهه‌های آخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم توسط «جرجی گورجیوف» ارمنی تبار شکل گرفت. وی متأثر از عرفان مولوی بوده و تصوف اسلامی را با سنن دینی خاور دور در آمیخت؛ د) کمی پس از او، ادریس شاه از پیشگامان تصوف غرب، با پیام فراقه‌ای و وحدت‌گرایانه، آوازه‌ای بسیار یافت؛

ه) از دیگر رهبران تصوف غرب که هم‌زمان با گورجیوف است، عنایت خان چشتی بود که وی را اولین استاد صوفی می‌دانند که از شرق به غرب وارد شد. وی به کشورهای مختلف غربی، مانند فرانسه، انگلیس و آمریکا سفر کرد و با تشکیل طریقت صوفیانه خاص، پیروان بسیاری در غرب یافت.^۱

ذکر این نکته ضروری است که تفاوت اساسی جنبش‌های صوفیانه در غرب با تصوف شرق و مهاجران مسلمان در غرب این است که در جوامع اسلامی، تصوف بخشی از بافت دینی و بستر اجتماعی است و کسی که به یک طریقت صوفی می‌پیوندد، مسلمانی است که می‌خواهد به بینش و معرفت دینی خود عمق بخشد. در مقابل یک فرد غربی، به طور معمول پیش از آن‌که به دنبال ایجاد پیوندی با اسلام و جامعه مسلمانان باشد، در جستجوی عنصر معنویت در تصوف است و لذا جنبش‌های صوفیانه غرب اغلب برای تطبیق یا تلفیق شیوه‌های سنتی با نیازها، دستاوردها و جریان‌های دوره‌ای دنیای معاصر کوشیده‌اند، تا نقش‌های موجود در میان روش معنوی سنتی و نیازهای دنیای متجدد را از میان برداشته و بتوانند مخاطبان غربی را به خود جذب کنند.

پس از بررسی مباحث مقدماتی در خصوص شناخت تصوف، عوامل گسترش تصوف در غرب، افراد و جریان‌های مؤثر در شکل‌گیری تصوف غرب و همچنین تمایز آن با تصوف مشرق زمین، در ادامه، به بررسی وضعیت تصوف در دنیای معاصر غربی می‌پردازیم.

۲. تصوف در اروپای غربی

شروع آشنایی با تصوف در اروپای غربی با ترجمه متون اصلی صوفیان از اشعار فارسی بود که بخش اعظم آنها آکنده از مفاهیم عرفانی بوده‌اند. در دهه‌های اولیه قرن یازدهم قمری

^۱ . پیشین، صص ۲۸۵ - ۲۸۶

هفدهم میلادی، گلستان سعدی به آلمانی برگردانده شد و یک قرن بعد «سر ویلیام جونز»، مستشرق و زبان شناس انگلیسی، در دانشکده «فرت ویلیام کلکته» مطالعه و ترجمه گسترده متون کهن فارسی را آغاز کرد. این ترجمه ها باعث شد که شاعران غربی، همچون «گوته» و «والت ویتمن»، درصدد جستجو و کشف مضامین عرفانی شرقی در آثار آنها برآیند. پس از اشغال استعماری جوامع مسلمان توسط فرانسه و انگلیس و دیگر قدرت‌های اروپایی، محققان اروپایی و کارگزاران مستعمرات به این جنبه از اسلام علاقه مند شدند. با گسترش صنعت چاپ در اروپا و بعد از آن در خاورمیانه در قرن سیزدهم / نوزدهم، امکان انتشار و اشاعه متون صوفیه به زبان‌های رایج در کشورهای اسلامی و ترجمه های اروپایی آن بیشتر شد. نخستین مطالعات اروپاییان در باره تصوف، در برگینده تأملاتی راجع به ریشه های غیراسلامی آن، از جمله ایران باستان، هندی، مسیحیت و حتی تأثیرات بودایی بود. در آغاز قرن چهاردهم / بیستم نیز مستشرقانی همچون «آبری» و «رینولد نیکلسون» در انگلستان، متون قدیمی منشور و منظوم صوفیه را از فارسی و عربی به انگلیسی برگرداندند.^۱

گرچه آشنایی با تصوف در اروپای غربی از طریق ادبیات صوفیانه شکل گرفته بود؛ ولی گسترش طرق تصوف در غرب اروپا، از دهه اول قرن نوزدهم با گرایش گروهی اندکی از صاحب‌نظران اروپایی به طریقه شاذلیه آغاز شد. مکتب تفکر سنتی در اروپا که با نام «رنه گنون»^۲ عجین است، ریشه در تعالیم شاذلی داشته و بزرگ‌ترین مدافعان اسلام سنتی در غرب از جمله «فریتهوف شووان»، «تیتوس بورکهارت» و «مارتین لینگر»، متعلق به این شاخه تصوف می‌باشند.^۳

در سال‌های اخیر، گرویدن گروه قابل توجهی از نویسندگان، متفکران و هنرمندان اروپایی تصوف همچنان ادامه داشته و تفکر صوفیانه - بالخصوص آثار ابن عربی و مولانا- بسیار مورد توجه می‌باشد و هر ساله در کنفرانس‌های بسیاری در خصوص افکار

^۱ غلامعلی حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، تهران؛ بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵، جلد ۷،

ص ۴۴۷

^۲ R. Guenon

^۳ کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ج ۸، ۱۳۸۳، ص ۵۸۲

آن دو در اروپا برگزار می‌شود. همچنین آثار هنری صوفیانه شامل شعر، موسیقی عرفانی، سماع مولویه و... جایگاه والایی در محافل هنری غرب یافته است. در حال حاضر شرایط مختلف تشکیل جوامع مسلمان و فرقه‌های صوفی در کشورهای مختلف اروپای غربی و همچنین تعدد جریان‌های مهم فرهنگی، اجتماعی و تاریخی در این کشورها به ناهم‌گونی وضعیت مسلمانان و صوفیه در این کشورها انجامیده است. با این همه، ویژگی متمایز تصوف در کشورهای اروپای غربی در مقایسه با سایر کشورها در این است که سازگاری و انطباق مراسم و آیین‌های صوفیانه با شرایط آنها، متضمن نادیده انگاشتن برخی جنبه‌های عمومی و رایج اعمال و آیین‌های اسلامی تصوف است و بالطبع نسبت به برخی از مسائل اجتماعی، از جمله حضور و مشارکت زنان در امور اجتماعی، نگرش انعطاف‌پذیر دارند.^۱ از آن‌جا که بحث درباره اوضاع تصوف در تمام ممالک غربی در این سطور مختصر امکان‌پذیر نیست، بحث را به چند کشور مهم که تصوف در آن‌جا ریشه دوانیده است، محدود می‌کنیم.

۱.۲. انگلیس : امپراتوری بریتانیا تا اوایل قرن بیستم، مرکز یک امپراتوری بزرگ را تشکیل می‌داد که درهای آن به روی مردم کشورهای مستعمره باز بود، به همین دلیل، گروه زیادی از مسلمانان شبه قاره هند به دلایل اقتصادی، به انگلستان مهاجرت کردند. ویژگی بیشتر مهاجران این بود که از طبقات محروم جامعه بوده و آشنایی زیادی با مبانی فکری و عقلانی اسلام نداشتند و از لحاظ فرهنگی نیز غالب آنها اردو زبان بودند و از سایر مذاهب همچون شیعی نیز در میان آنها وجود داشت.

در چند دهه اخیر نیز مسلمانان فراوانی به انگلستان مهاجرت کردند که بسیاری از آنها دلایل سیاسی داشت. با این حال، مهاجرت مسلمانان فراوانی از ملیت‌های مختلف به این کشور باعث شده که اکنون لندن به مرکز بزرگ ارتباطات جهان اسلام درآید و از لحاظ تبادل فرهنگی، سهم جامعه مسلمانان در این کشور نسبت به سایر کشورهای غربی منحصر به فرد باشد.^۲

یکی از گروه‌های مهم مسلمان در این کشور، صوفیان هستند که نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. گسترده‌ترین طریقه‌های صوفی در این کشور متعلق به مهاجران پاکستانی است و شاخه‌های مختلف تصوف در شهرهایی، همچون لندن، بیرمنگام، منچستر و

^۱ غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۴۸

^۲ کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ج ۸، ص ۵۸۳

بردفورد زندگی می‌کنند. طریقه نقشبندی- حقانی در شهرهای لندن و بیرمنگام، علاوه بر پاکستانی‌ها، از سایر ملیت‌ها، همچون ترک زبان‌ها و آسیای جنوبی و حتی غربی‌ها نیز پیروانی دارد.^۱

یکی از مهم‌ترین طریقت‌های صوفیانه در انگلیس متعلق به شیخ زنده پیر، از مشایخ نقشبندیه است که در حال حاضر سه خلیفه او،^۲ نماینده سه شاخه مختلف این طریقه در انگلیس هستند. غیر از طریقه نقشبندیه، طریقه‌هایی، همچون قادریه و چشتیه نیز از مهم‌ترین طریقت‌های فعال در انگلیس هستند.^۳

طریقت‌های صوفیه در انگلیس گرچه با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند؛ ولی از ویژگی‌های بارز آنها این است که در کنار هم و حتی در یک شهر، با تکیه بر مشابهت‌های خود فعالیت می‌کنند. ویژگی دیگر آنها است که از میان پاکستانی‌های تحصیل کرده متولد غرب پیروان بسیاری دارند که این بیانگر جذابیت گرایش‌های صوفیانه در این قشر است و تصوف در نگاه آنها به معنای دیدگاه اخلاقی و اجتماعی بوده که نوعی دریافت تجربی متعالی است و معرفت حقیقی و عمیق به شمار می‌رود.^۴

نکته قابل توجه در تصوف انگلستان آن است که در جنوب غربی این کشور در شهر گلاستونبری که با پیشینه تاریخی خاص و شرایط جغرافیایی و طبیعی فوق‌العاده، شهری سیاحتی و زیارتی به‌شمار می‌رود، همه ساله میزبان گردهمایی‌های صوفیان مختلف از طریقت‌های چشتیه عنایت خان، حقانیه و نقشبندیه بوده است.^۵

۲.۲. فرانسه : کشور فرانسه در میان کشورهای اروپای غربی، بیشترین جمعیتی مسلمان و شمار بسیار مسلمان در این کشور به علت وجود تعداد زیاد مهاجر از کشورهای آفریقایی مستعمره فرانسه می‌باشد. انقلاب فرانسه که در آن بسیاری از کشیش‌ها قلع و قمع شدند، دین را از حکومت و اداره جامعه جدا ساخت و ظاهراً فرانسه

^۱ پیشین، ج ۱۵، ص ۴۸۹

^۲ به نامهای صوفی صاحب، آلام دین و حاجی کریم

^۳ کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۴۹۰

^۴ همان

^۵ همان

را به یک کشور لائیک درآورد. علی‌رغم تضعیف دین در این کشور، هنوز هرگاه از فرهنگ فرانسوی سخن به میان می‌آید، جنبه فرهنگی مسیحیت از ارکان این فرهنگ شمرده می‌شود و از لحاظ فکری نیز هنوز فرانسه یکی از مراکز مهم اشاعه اندیشه دینی، فلسفی و عرفانی است. با وجود مخالفت جامعه لائیک حکومتی، چند تن از نویسندگان و محققان مشهور فرانسوی به کیش اسلام گرویده‌اند و میراث عقلی رنه گنون نیز باعث شده است تا گروهی از فرانسوی‌ها به عالم معنوی اسلام علاقه‌مند شوند. در حال حاضر نیز آثار متفکران اسلامی به ویژه در زمینه‌های عرفانی و فلسفی به فرانسه ترجمه شده و این وضعیت باعث شد که بسیاری از فلاسفه فرانسه تحت تاثیر عرفان اسلامی قرار گیرند.^۱

موقعیت فوق در کشور فرانسه فرصتی مناسب برای حضور تصوف در این کشور را فراهم آورده است و در حال حاضر تصوف در این کشور در مقایسه با سایر کشورها، حضوری آشکار و فعال دارد و گونه‌های بسیاری از تصوف در این کشور حضور دارند که تمایز طریقت‌های صوفیه، بیشتر تابع تفاوت‌های نژادی است؛ به عنوان مثال، مهاجران آفریقای جنوبی بیشتر عضو طریقه‌های علویه، شاذلیه و قادریه هستند. مهاجران آفریقای شمالی از طریقت‌های تیجانیه و مریدییه حمایت می‌کنند و ترک زبانان نیز جذب طریقه نقشبندییه شده‌اند.^۲

۲.۳. آلمان : کشور آلمان در قیاس با فرانسه و انگلیس وضعیت متفاوتی دارد؛ چرا که آلمان هیچ‌گاه در جهان اسلامی مستعمره نداشت تا از آن سرزمین‌ها، مسلمانان به آلمان مهاجرت کنند. به همین دلیل، بیشتر مسلمانان در کشورهای اسلامی به آلمان نظر مساعدی داشتند و در مقایسه با انگلیس، فرانسه و هلند، کمتر به آلمانی‌ها به دیده منفی می‌نگریستند.

آلمان در قرن نوزدهم به یکی از مهم‌ترین مراکز اسلام‌شناسی تبدیل شد و در رشته‌های اسلام‌شناسی، زبان آلمانی از اهمیت علمی ویژه‌ای برخوردار گردید. در قرن بیستم نیز پس از جنگ جهانی دوم با تصمیم دولت آلمان، مهاجران زیادی از ترکیه و برخی نواحی مسلمان نشین بالکان به آلمان سرازیر شدند و به تدریج فعالیت فکری اسلامی در آلمان گسترش یافت.^۳

^۱ .پیشین، ج ۸، ص ۵۸۴

^۲ .پیشین، ج ۱۵، ص ۴۹۰

^۳ .پیشین، ج ۸، ص ۵۸۴-۵۸۵

به سبب حضور گسترده مهاجران ترک در آلمان، رشد طریقت‌های ترک یکی از ویژگی‌های تصوف در این کشور است.^۱ بزرگ‌ترین مراکز اسلامی در کشور آلمان متعلق به طریقت‌های ترک نقشبندیه است که ساختار درونی و گرایش‌های متفاوتی دارند. همچنین طریقت‌های شیعی در میان آنها وجود دارد که عبارتند از: نعمت‌اللهمی و بکتاشیه. علاوه بر گروه‌های فوق، برخی طریقت‌های سنی، همچون قادریه، رفاعیه، مولویه، جراحی، برهانیه، درقاوی، چشتی-قادری، قادری-رفاعی و علوی در این کشور فعالند. همچنین افزودن بر طریقت‌های مذکور، برخی گرایش‌های باطنی و معتقد به وحدت متعالی ادیان، همچون شاذلیه و تئوسوفی نیز در آلمان به چشم می‌خورد.^۲

گرایش به تصوف و عرفان اسلامی در آلمان بسیار زیاد بوده و علاوه بر گسترش برخی طرق تصوف، همواره آثار مهمی از ادبیات تصوف به زبان آلمانی ترجمه می‌گردد^۳ و بدین سان، تصوف حضور پررنگی در این کشور دارد.

محققان درباره شمار تخمینی صوفیان در آلمان، آمارهای متفاوتی از هزار، ده هزار تا دویست هزار نفر، ارائه کرده‌اند که تعدد این آمار تخمینی، بیانگر ویژگی مهم تصوف در آلمان، یعنی حضور پنهان و نامرئی صوفیان در آن جا می‌باشد.^۴

۲.۴. سوئد: در سایر کشورهای اروپایی از جمله سوئد - که مسلمانان زیادی در آن جا به سر می‌برند- مسلمانان جهت حفظ محیط اسلامی در چالش با فرهنگ غرب، به مثابه یک مکان نامانوس در آن جا به سر می‌برند، اما در عین حال اسلام در نیم قرن اخیر به صورت چشم‌گیری گسترش یافته است^۵ و تصوف نقش مهمی در گسترش اسلام در این منطقه ایفا نموده و جایگاه والایی در میان مردم این کشور به دست آورد. تا جایی که «گانار اکلوف»، یکی از مشهورترین شاعران مدرن صوفی سوئدی، به شکلی زیرکانه و عاقلانه، منافع خود را در این راه یافت. همچنین «توبیورن سافوه» یکی دیگر

^۱ غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۴۸

^۲ کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ج ۱۵، ص ۴۸۹

^۳ پیشین، ج ۸، ص ۵۸۵

^۴ پیشین، ج ۱۵، ص ۴۸۹

^۵ پیشین، جلد ۸، ص ۵۸۵

از متفکران سوئدی به طور کلی تغییر ماهیت دینی داده و به ترجمه و چاپ متون مختلف از جمله ابن عربی و دیگر پیروان صوفیه پرداخت و بسیاری از موسیقی های سوئد را تحت تأثیر شدید افکار صوفی قرار داد.^۱

در حال حاضر نیز شیخ فضل الله حائری عراقی، با سفر به اقصی نقاط کشورهای غربی از جمله سوئد، مراکزی جهت جذب مذهبی مردم آن مناطق تأسیس کرد و با تلاش های وی، مرکزی در گوتنبرگ دایر و یکی از کتاب های وی به زبان سوئدی ترجمه گردید. علاوه بر این، با افزایش تعداد مهاجران از بالکان به سوئد، منافع پیروان صوفی در میان سازمان های دیگر اسلامی افزایش یافت و بر اهمیت فرقه های صوفی در سوئد همچنان افزوده شد و تعداد زیادی از گروه های فرهنگی سوئدی، در سازمان های صوفی ادغام شدند.^۲

۳. تصوف در آمریکای شمالی

حضور تصوف در جهان غرب، به ویژه قاره آمریکا با افزایش حضور مسلمانان در این بخش از جهان در دهه های اخیر، رابطه مستقیمی دارد. آغاز تشکیل جامعه مسلمانان فعلی در آمریکای شمالی و کانادا را باید در مهاجرت مسلمانان در پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم جست.

نخست گروهی از سوریه و لبنان و سپس بالکان به برخی از ایالات آمریکا، از جمله میشیگان، اوهایو و آیووا مهاجرت کرده و در نزدیکی هم جماعت های کوچکی از مسلمانان را تشکیل دادند و به دنبال آن اولین مساجد را بنا کردند. این سیر مهاجرت پس از جنگ جهانی اول تقویت و بعد از جنگ جهانی دوم شدت یافت. با مهاجرت عده بسیاری از مسلمانان که شامل ایرانیان، مسلمانان شبه قاره هند، جنوب شرق آسیا و آفریقا بود، چهره جامعه مسلمانان آمریکای شمالی و کانادا به طور کلی تغییر کرد و اسلام به صورت یک دین شناخته شده در جامعه آمریکا درآمد.^۳

با گسترش فعالیت مسلمانان - مهاجران و رنگین پوستان - گروهی از آمریکاییان سفیدپوست نیز به تدریج به اسلام گرویدند و بیشتر افراد این گروه از راه عرفان، تصوف، حکمت و فلسفه اسلامی به دین اسلام علاقه مند شدند در ادامه، وضعیت تصوف در مهم ترین مراکز تصوف این قاره را بررسی می کنیم.

^۱ بهمن احمدی، اسلام و مسلمانان در سوئد، مجله اسلام و غرب، آبان ۱۳۷۸، شماره ۲۷

^۲ همان

^۳ کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ج ۸، ص ۵۸۵

۳.۱. آمریکا: تصوف که غالباً از آن به عنوان شاخه پر رمز و راز اسلام یاد می‌شود، از فرقه‌های کوچک آمریکا به شمار می‌رود که حرکت آن به غرب در قرن دهم میلادی از طریق ایران آغاز شد.^۱ گرچه تأثیر تصوف در ایالات متحده به عنوان آیینی دینی و زنده، از زمان تشکیل «شورای جهانی مذاهب»^۲ در سال ۱۸۶۳م رایج شد؛^۳ اما حیات طریقت‌های تصوف در آمریکا به طور جدی از سال‌های دهه ۱۹۲۰ میلادی با ورود عنایت خان، یکی از صوفیان طریقه چشتیه، به سانفرانسیسکو آغاز شد.^۴

به تدریج پس از جنگ جهانی دوم، طرق دیگر، از جمله قادریه، شاذلیه، خلوتیه، حراجیه، نعمتی‌اللهی و نقشبندیه فعالیت خود را در آنجا گسترش دادند و در اکثر شهرهای بزرگ آمریکا، خانقاه‌ها و تکایای صوفیان ایجاد شد و آثار صوفیانه و عرفانی مورد استقبال قرار گرفت.

با این همه، فعالیت تصوف تا دهه ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۰ در آمریکا در مقایسه با سایر نقاط دنیا محدود بود. حتی بعد از تغییر قوانین مهاجرت در ۱۳۴۲ ش / ۱۹۶۳ - که منجر به آزادی مهاجرت شمار بیشتری از غیر اروپاییان به ایالات متحده شد - مسلمانان هنوز در ایالات متحده حضور چندانی نداشتند. اما تغییرات ناشی از وضع فرهنگی در این دهه و مقارن آن، علاقه به معنویت شرقی، تمایل به جنبش تصوف پیدا شد و تأثیر تصوف در آمریکا بیشتر در حوزه مطالعات دانشگاهی، فرهنگ عامه و آیین‌های دینی نمود یافت.^۵

در حال حاضر صوفیان امریکایی مشتمل بر گروه‌هایی از مهاجران جوامع مسلمان هستند که بیشتر در مراکز شهرهای بزرگی، همچون نیویورک، شیکاگو و لس‌آنجلس زندگی می‌کنند. صوفیان در آمریکا دارای فرقه‌ها و شاخه‌های متعددی هستند که بیشتر آنها کمتر اهل سیاست‌ورزی و بیشتر در جستجوی سیر و سلوک و مکاشفات

^۱ محمود خداقلی پور و فهیمه وزیری، پیشین، ص ۱۲۳.

^۲ World Parliament of Religions

^۳ غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۴۷

^۴ کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، جلد ۸، ص ۵۸۶

^۵ غلامعلی حداد عادل، پیشین، صص ۴۴۷ - ۴۴۸

معنوی می‌باشند. بر همین مبنا، بیشتر آنان از اصناف هنرمندان، شعرا و نویسندگان به شمار می‌رود. بسیاری از افراد، فرهنگ حاکم بر آمریکا را دوست نداشته و تابع فرهنگ عرف نیستند.^۱ آنان از تعالیم تصوف به شیوه‌هایی پیروی می‌کنند که بسیار شبیه آیین‌های مرسوم در جوامع خودشان است.

به طور کلی، امروزه در ایالات متحده سه نوع جنبش تصوف وجود دارد: یکی از این جنبش‌ها بیشتر نگرش جهانی داشته و علی‌رغم استناد به تصوف و جنبه‌های سنت اسلامی، از پیروان غیر مسلمان خود نمی‌خواهند که مذهب خود را تغییر داده و مسلمان شوند. این دسته شامل طریقت تصوف جهانی «انجمن تحقیقات تصوف»^۲ و «جنبش سماع صلح جهانی»^۳ است.^۴ از جمله گروه‌های این نوع تصوف، حامیان «جنبش عنایت خان» هستند که شروع فعالیت این جنبش از دهه ۱۹۶۰ میلادی بوده و پس از وی، پسرش پیر ولایت خان، این جنبش را با نام «طریقه تصوف در غرب» یا «رسالت در عصر ما» احیا کرد. در حال حاضر نام این جنبش، «طریقه تصوف جهانی»^۵ بوده که نشان دهنده جریان‌های فراملیتی امروزی است. در ۱۳۷۹ ش / ۲۰۰۰ نیز مقام جانشینی عنایت خان به نوه وی، ضیاء عنایت خان، تفویض شد که در حال حاضر در مقر خویش در نیویورک رهبری طریقه و انتقال تعالیم را برعهده دارد.^۶

از دیگر طریقت‌های تصوف در این گروه، «جنبش ادريس شاه» می‌باشد که به واسطه فعالیت‌های انتشاراتی و یاری رساندن به گروه‌های دیگر از طریق روان‌شناسی فراشخصی^۷ و سلامت کل‌نگرانه^۸ و سماع، تأثیر گسترده تری بر فرهنگ امریکایی داشته است. اعضای این گروه مجبور نیستند شیوه زندگی کاملاً صوفیانه داشته باشند یا با اجتماع سازگار شوند. گفته می‌شود گرایش به این جنبش‌ها در نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ ش / ۱۹۷۰ به اوج خود رسید و از وقتی که طریقت تصوف پیر ولایت خان ادعا کرد که ده هزار از طریق وی به طریقت روی آورده‌اند و تعداد بسیار زیادی از امریکاییان در اردوها و هم‌اندیشی‌های تصوف شرکت کرده و کتاب‌هایشان را می‌خوانند.^۹

^۱ nonconformist

^۲ Society for Sufi Studies

^۳ Dances of Universal Peace Movement

^۴ کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ج ۱۵، ص ۴۸۷

^۵ Sufi order International

^۶ غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۴۸

^۷ holistic health

^۸ transpersonal

^۹ غلامعلی حداد عادل، پیشین، صص ۴۴۸ - ۴۴۹

نوع دیگر تصوف، با این که بیشتر عضوگیری‌شان از میان امریکاییان است، ریشه در شریعت اسلامی داشته و مسلمان بودن را برای رشد معنوی در سنت تصوف ضروری می‌دانند. بیشتر رهبران این جنبش‌ها را مهاجران جوامع مسلمان تشکیل می‌دهند و نمونه‌های برجسته این جنبش‌ها عبارتند از: طریقه نقشبندی - حقانی، طریقه خلوتی - جراحی، شاذلیه، درقاویه، حبیبیه، بکتاشیه، رفاعیه، تیجانیه، پیروان گور، پیروان باوا محی‌الدین و طریقه مولویه.^۱

نوع دیگر از تصوف در آمریکا شامل سنت گرایان می‌باشد که از حامیان «حقیقت جاودان یا حکمت خالده» است. این نوع تصوف را می‌توان در آثار فریتیف شووان، سیدحسین نصر و هیوستون اسمیت مشاهده کرد. آنها با فعالیت از طریق رسانه‌هایی، چون کرسی تدریس دانشگاه، فیلم‌های مستند، گفتگوهای تلویزیونی و فعالیت‌های انتشاراتی، مخاطبان فراوانی در فرهنگ امریکایی یافته‌اند. نفوذ این جنبش‌ها در اصل بیشتر به سبب عقاید آنهاست تا مشارکتشان در جنبش‌های سازمان یافته.^۲

علاوه بر گروه‌های عمده تصوف، تعدادی از سلسله‌های شیعی، از جمله سلسله نعمت‌اللهی، اویسی - شاه مقصودی و ... در میان مهاجران ایرانی و گروه امریکایی پیروانی دارند. در حال حاضر نیز تصوف شیعی در آمریکا بیشتر از طریق فرقه نعمت‌اللهی دکتر نوربخش و فرقه شیخ‌فضل‌الله حائری عراقی تبلیغ می‌شود. پیروان و مریدان دکتر نوربخش، خانقاه‌های متعددی در شهرهای آمریکا ایجاد کرده‌اند و به طور کلی، بر خلاف مریدان شیخ‌فضل‌الله به انجام احکام ظاهری دین تقیدی ندارند.^۳

همچنین کهن‌ترین جنبش‌های اسلامی افریقایی - امریکایی، همچون احمدیه و معبد علم موریش، با جریان‌های رمزی و عرفانی، از جمله گروه‌های موفق تصوف بوده‌اند.

فراتر از بحث تصوف در عرصه ایدئولوژیک، همچنین باید یادآوری کرد که در عرصه شعر و موسیقی، رواج تصوف در غرب آشکارا از رهگذر علاقه بسیار به اشعار مولانا بوده

^۱ کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ج ۱۵، صص ۴۷۸ - ۴۸۸

^۲ غلامعلی حداد عادل، پیشین، ص ۴۴۹

^۳ محمد لگنهاوزن، تشیع در آمریکای امروز، موسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵/۴/۲۰

است. افراد شناخته شده ای، چون کولمان بارکز، دیپاک چوپرا و همچنین برخی خوانندگان در یادآوری و مرور آثار مولانا سهیم بوده اند. افزون بر این که علاقه به موسیقی سایر نقاط جهان در جوامع غربی، منجر به محبوبیت و شهرت آیین‌های صوفیانه‌ای، همچون قوالی‌های هندی و دسته‌های ذکر و مناجات خوانی صوفیان، مانند مراسم سماع مولویه شده است.

۲.۳. کانادا: فعالیت‌های صوفیه در تورنتو در سال ۱۹۷۳ م به دست «محمد عبدالعلیم صدیقی» آغاز شد و بعدها سازمان‌های صوفیه، مانند «حلقه صوفی»^۱ تشکیل شدند. از دیگر طریقه‌های فعال در تورنتو می‌توان از طریقه شیعی اسماعیلیه با خاستگاه آسیای جنوبی و طریقه احمدیه با ریشه هندی نام برد. امروزه طریقه‌های چشتیه و پیروان عنایت خان، علویه، قادریه، نقشبندیه - حقانی و رفاعیه در شهرهای مختلف کانادا، مانند تورنتو، ویکتوریا، ونکوور و اوتاوا به فعالیت مشغولند.^۲

^۱ Sufi Circle

^۲ کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ج ۱۵، ص ۴۸۹

پیش شماره اول ، زمستان ۱۳۸۷

پروژه‌های منطقه